

ارتش‌ها ابزار تغییر و آزادسازی اند؛ آیا گوش شنوای هست؟

(ترجمه)

ثروت فکری هر امتی باید تطبیق، حفظ و حمل شود که نیازمند یک قدرت پشتیبان می‌باشد. در هر امت و دولتی ارتش‌ها اساس قدرت و رمز ثبات بوده که توسط آن، قلمرو گسترش یافته و تمدن و مفکوره آن نشر می‌شود. ارتش‌ها تنها نیروی لازم برای ایجاد هر نوع نهضت و تمدنی اند. بلی، ارتش‌ها برای غزه لازم و ضروری است. لذا ارتش‌ها ابزاری اند که نمی‌توان از آن‌ها بی‌نیاز شد و بدون آن‌ها تغییری ایجاد کرد.

چیزی که سبب قدرت‌مند شدن امریکا در سطح جهان گردید، همین ارتش‌ها بود. بخاطر وجود ارتش‌ها، شوروی برای مدتی در این امر با امریکا سهیم بود. ارتش‌ها بودند که دولت اسلامی را به آفاق و اطراف زمین رساندند. ارتش شکست‌ناپذیر دولت عثمانی بود که اسلام را به اروپا رساند و خلافت عثمانی را بزرگ‌ترین دولت گشتاند که دشمنان از آن هراس داشتند و به شدت از آن حساب می‌بردند. ارتش‌ها بودند که انگلیس را به امپراتوری مبدل ساخت که آفتاب در آن غروب نمی‌کرد. ارتش‌ها نیروهای هستند که روسیه را به رقابت با اروپا در اوکراین وادار کردند...

این نقش و اهمیت ارتش‌هاست؛ ارتش‌ها و یا نیروی قایم مقام آن؛ ابزار استراتژیک در روند تغییر و ترسیم‌کننده سیاست جهان اند. دولت‌های فاقد ارتش، بدون شک تابع و پیرو بوده و از رهبریت و قدرت خود در اخذ تصامیم و اثرگذاری در منطقه محروم هستند؛ زیرا آن‌ها فاقد قدرتی است که توسط آن با مخالفان و دشمنان خود بجنگند.

اسلام برای ارتش‌ها و قدرت‌مندان، نقش مهمی را در روند تغییر قرار داده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم برای طلب نصرت نزد قبائل قدرت‌مند عرب رفتند. برای طلب نصرت به طائف رفتند. پیشاپیش قبائل عرب که برای حج بیت‌الله الحرام می‌آمدند، می‌رفتند و آنان را به اسلام دعوت کرده و برای اقامه دولت اسلامی طلب نصرت می‌کرد. برای استجابات امر الله سبحانه و تعالی خود را به قبائل می‌رساندند و از آنان نصرت و حمایت‌شان را می‌طلبیدند. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: علی ابن ابی طالب رضی الله عنه گفته است: «وقتی الله سبحانه و تعالی رسولش را دستور داد تا نزد قبائل برود؛ در حالی که من و ابوبکر با ایشان بودیم، به سمت منی روان شدیم تا به مجلسی از مجالس عرب رسیدیم.»

این طلب نصرت ادامه داشت، تا آنگاه که الله سبحانه و تعالی اسلام را نصرت داد و قبیله اوس و خزرج ایمان آوردند و با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت کردند که در کنار ایشان با دشمنان بجنگند، اسلام را نصرت داده و تمام قدرت خود را در اختیار آن بگذارند. لذا الله سبحانه و تعالی آنان را انصار نامید. واقعاً برای این دین انصار بودند؛ دولت اسلام را تأسیس کردند و در راه حمل پیام آن به جهانیان، جهاد و مبارزه کردند...

جهاد بنا بر قول رسول الله صلی الله علیه وسلم بزرگ‌ترین قله احکام اسلام است. آماده‌سازی ارتش‌ها و تحریک آن‌ها؛ طریقه جهاد است. پس قدرت‌مندان، اهل جنگ بوده و آن‌ها هستند که می‌توانند موازین قدرت را سرنگون کنند و حق را نصرت داده و باطل را از بین ببرند.

امت اسلامی امروزه از ارتش‌ها و سلاح‌های پیشرفته‌ای برخوردار بوده و ابزارهای فراوانی از لشکریان و افسران را در اختیار دارد؛ اما نیازمند تصمیمی است که آن‌ها را به نصرت اسلام و جهاد فی سبیل الله و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی، از جمله سرزمین مبارکه فلسطین دستور دهد. جهاد یک فریضه بسیار بزرگ بوده که الله سبحانه و تعالی در جاهای متعددی در قرآن و احادیث به آن دستور داده:

﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (191) فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (192) وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينَ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [بقره: 191-193]

ترجمه: و هر جا آنان را دریافتید بکشید و آنانی را که شما را از آنجا بیرون کرده‌اند، بیرون سازید و (از جنگ در حرم مکه نباید باک داشته باشید؛ زیرا ایشان با شکنجه و آزار و انواع فتنه و فساد می‌خواستند شما را از دین تان برگردانند که مایه خوشبختی دو جهان شما است و) فتنه از کشتن بدتر است و (لیکن احترام مسجد الحرام به جای خود باقی است و) با آنان در کنار مسجد الحرام کارزار نکنید، مگر آن‌گاه که ایشان در آنجا با شما بستیزند (و حرمت مسجد الحرام را محفوظ ندارند). پس اگر با شما جنگیدند ایشان را بکشید. سزای (آن‌گونه) کافران چنین است. و اگر دست کشیدند (از کفر، و اسلام را پذیرفتند، الله گناهان شان را به آب توبه می‌شوید و بی‌دینس گذشته ایشان را نادیده می‌گیرد) چه بی‌گمان الله آمرزنده و مهربان است. با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دین تان برگردانند) و دین (خالصانه) از آن الله گردد (و مؤمنان جز از الله متعال نترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زیست کنند). پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بردارید؛ زیرا حمله بردن و) تجاوز کردن جز بر ستم‌کاران (به خویشتن به سبب کفر و شرک، روا) نیست. و فرموده است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقاتلُوا أولياءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفاً﴾ [نساء: 76]

ترجمه: کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه الله می‌جنگند و کسانی که کفر پیشه‌اند، در راه شیطان می‌جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید. بی‌گمان نیرنگ شیطان همیشه ضعیف بوده است.

و فرموده است:

﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنجيكمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (10) تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (11) يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (12) وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [صف:

[10-13]

ترجمه: ای مؤمنان! آیا شما را به بازرگانی و معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک دوزخ رها سازد؟ (و آن این است که) به الله و پیامبرش ایمان می‌آورید و در راه الله با مال و جان تلاش و جهاد می‌کنید. اگر بدانید این برای شما (از هر چیز

دیگری) بهتر است. (اگر این تجارت را انجام دهید، الله متعال) گناهان تان را می‌بخشاید و شما را به باغ‌های بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخ‌ها و درختان) آن جوی بارها روان است و شما را در منازل و خانه‌های خوبی جای می‌دهد که در باغ‌های بهشت جاویدان ماندگار، واقع شده‌اند. پیروزی و رستگاری بزرگ همین است. (گذشته از این نعمت‌ها) نعمت دیگری دارید که پیروزی خدادادی و فتح نزدیکی است و به مؤمنان مژده بده (به چیزهایی که قابل توصیف و بیان نیست و فراتر از آن است که با الفبای انسان‌ها به انسان‌ها شناساند).

امام بخاری و امام مسلم رحمهم الله در صحیح‌شان از حدیث سهل بن سعد رضی الله عنه روایت کرده، می‌گویند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَ مَوْضِعُ سَوْطِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَالرَّوْحَةُ يَرْوَحُهَا الْعَبْدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ الْعَدُوَّةُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا»

ترجمه: یک روز نگهبانی در راه الله از دنیا و مافیها بهتر است، و به اندازه جای شلاق شما در بهشت، از دنیا و مافیها بهتر است. و گامی که بنده، شام یا صبحی در راه الله بر می‌دارد، از دنیا و مافیها بهتر است.

در این حدیث مراد از فی سبیل الله، جهاد است. این چنین اسلام برای جهاد مقام و منزلت عالی و اجر بزرگی قرار داده است که فقط مجاهد به آن دست خواهد یافت. با این وجود، ما با حکامی ابتلاء شده‌ایم که جهاد را تعطیل کرده‌اند؛ در حالی که سرزمین‌های اسلامی تحت اشغال بوده، خون‌های مسلمانان می‌ریزد، اموال‌شان تاراج می‌شود و احکام کفری در سرزمین‌های شان تطبیق و ترویج می‌شود!

امروزه غرب، با تمام ارتش‌های خود برای جنگ علیه اسلام و مسلمانان حرکت کرده که در گذشته و اکنون این را مشاهده می‌کنیم. غزه احزاب، جنگ‌های صلیبی، اشغال عراق و افغانستان و جنگ علیه کودتای سوریه و دیگر جاه‌ها، همه این‌ها غرب را وحدت بخشیده و نیروها، ارتش‌ها، سلاح‌ها و اموالش را برای جنگ علیه اسلام بسیج کرده است. در مقابل، مسلمانان این حوادث را از نزدیک دیده و کاری نمی‌کنند و ارتش‌های شان همواره موضع ضعف و ناتوانی را اختیار کرده‌اند؛ با آن که درد و رنج‌هایی را که امت با آن دست و پنجه نرم می‌کند، می‌بینند. امت اسلامی می‌دانند که تنها راه حل این مسئله؛ ایستادن ارتش‌های مسلمانان در کنار دین و امت‌شان می‌باشد، نه در کنار حکام و باداران غربی‌شان!

اشغال فلسطین و سرزمین‌های دیگر اسلامی، هرگز پایان نخواهد یافت، مگر با جهاد ارتش‌های امت اسلامی. لذا باید که سیرت خالد بن ولید، صلاح‌الدین ایوبی، قطز، ظاهر بیبرس و رهبران بزرگی که در تاریخ مواضع عزت‌مندان‌ای را برای خود در نزد الله سبحانه و تعالی ثبت کرده‌اند، تاریخ آن‌ها را در خود حفظ کرده و نام‌های شان در جریده‌های از نور جاویدان گشته است، باز گردانیم. پس چه کسی سیرت آنان را باز می‌گرداند و می‌گوید که من چنین می‌کنم؟

در ارتش مصرکنانه چه کسی است که تصمیم شکستادن طاعت اولیای غرب و مرزهای استعماری را بگیرد و نیروهایش را برای نصرت دادن مسلمانان بسوی فلسطین و قبل از آن، بسوی حاکم جنایت کار مصر حرکت دهد تا مصر را به شکل نخستین‌اش در

تاریخ اسلام باز گرداند؟ و در ارتش ترکیه و اردن چه کسی است که عظمت و قهرمانی‌های عثمانی‌ها را که از دارالاسلام حفاظت کرده و نمی‌گذاشتند که دشمنان به بیت المقدس دست یابند، باز گرداند؟ ای ارتش‌ها و اهل قدرت! سیرت این بزرگواران را بازگردانید، دولت اسلام را اقامه کنید و هم‌چو انصار رسول الله صلی الله علیه وسلم انصار باشید تا در دنیا و آخرت کامیاب گردید. تحریک جیوش، امر ممکن و لازمه تغییر است، برای آزادسازی ضروری بوده و برای بازگشتاندن مجد و عظمت اسلام و مسلمانان ضرورت حتمی می‌باشد. این امر سخت و دشوار نبوده، بلکه فقط نیاز به اراده و اخلاص برای الله سبحانه و تعالی دارد. بنابر این، این مسئولیت ارتش است که اسلحه خود را به سمت مسلمانان نه، بلکه به سمت صحیح آن، یعنی سمت دشمنان اسلام و مسلمانان جهت دهد.

امت اسلامی امروزه سخت محتاج ارتش‌هاست. غرب از تمام جهات دشمنی خود را با امت اسلامی آشکار کرده، خون آن‌ها را ریخته، به مقدسات‌شان هتک حرمت می‌کند و به رسول شان صلی الله علیه وسلم دشنام می‌دهد! ایمان و دین‌داری ارتش‌ها به خاطر این بی‌حرمتی‌ها باید وادارشان کند تا برای مبارزه با غرب و حکام مزدورشان حرکت کنند. ما امروزه می‌بینیم که طوفان الاقصی چگونه ناتوانی و ضعف رژیم یهود را نمایان ساخت. می‌بینیم که چگونه یک گروه اندکی از مؤمنان، دشمن را سخت به شکست مواجه ساخت.

پس ای ارتش‌های امت! ای کسانی که برای استجاب ندای حکام‌تان برای اجرای اوامر غرب بسوی یمن حرکت کردید! ای کسانی که برای ریختن خون مسلمانان بسوی سودان روان شدید و ای کسانی که در جنگ فتنه میان مسلمانان بسوی لیبیا حرکت کردید! این فرصت شماست، آن را از دست ندهید...

این همان دشمن واضح شماست که در انتظارتان است؛ پس موقتاً در برابر آن‌ها چگونه است؟! حزب التحریر شما را به کامیابی هردو دنیا و به اقامه دولت خلافت - که بیش از یک قرن می‌شود غایب است - فرا می‌خواند تا به فوز و کامیابی دنیا و آخرت دست یابید و این، همان کامیابی آشکار است.

برگرفته از شماره 472 جریده الرایه

نویسنده: دکتور عمر عبدالله - ولایه یمن

مترجم: محمد مزمل